

# izmir times

مجله از میرتایمز

No  
38

magazine

ترجمه فارسی ادبیات ، مُد و لایف استایل ترکیه

## استایل ایمو

استایل احساسی محبوب نوجوانان

ترجمه از ترکی استانبولی

PDF



05.08.2023

izmirtimes.gersuz.com.tr

© Copyright 2023 GERSUZ - All Rights Reserved

4 Friday  
August  
International  
Beer  
Day



وقتی پاهایم یاری نکرد  
فصل موج سواری و قواص  
چکاوک  
روز جهانی آبجو

Alt kültür  
**Emo Stili**

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.



لینک های مشخص شده در صفحات را لمس کنید

نمایش آرشیو مجله







# انجمن زن نویسندگان ازمیر

صدای زنان در مقابل صدای ادبیات و هنر مردانه

نقش‌هایی که ادبیات بر زنان مقرر می‌دارد

مطالعه صفحه در وب



© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله از میرتایمز E38

# kalem kahve klavye

fittreli edebiyat

خواندن متلزم ارتباط جمعی و ذهنی با کتاب است. لمس آرز، استصاف بری کاغذ، دنبال کردن تاریخ انتشار نسخه های جدید، ایجاد کتابخانه ها و جمع آوری آنها عشق کامل است.

انجمن نویسندگان زن ازمیر

مطالعه صفحه در وب



izmir times

© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله از میرتایمز E38





بیوگرافی کامران هوشمندیان

# KAMRAN HOOSHMANDIAN



در soundcloud گوش دهید

**I am Kamran Hooshmandian**, born in 1990 in Shiraz, Iran.

Songwriter, composer, singer who has published some original music so far and I'm also active in theater music production.

In addition to music, I work in the field of filmmaking, cinema and theater, as a screenwriter, director and actor.

@kamranhooshmandian

## خیال خَش

آرمین رحیمیان ، کامران و مهران هوشمندیان  
ترانه و ملودی: کامران هوشمندیان  
تنظیم کننده: آرمان منورصادق  
نی انبان: امیرحسین زارع





**همه جا خشک خشک بود** حتی یک سبزه هم نبود. یک مقاومت قرمز... هوا مه آلود بود، بوی شدیدی بینی را می سوزاند. میخوامم از اینجا فرار کنم، زمین خاکستری پر از خار را زیر پاهای برهنه ام حس میکنم. آهسته می دوم دوچرخه ای زنگ زده و متعصب در مقاومت به دیوار خانه ای ویران شده تکیه داده بود. این شهر بی مردم مانند صخره ای سخت بر دلم سنگینی می کند. هوا بوی تعفن اجساد می دهد.

### میخوامم بیدار شوم ولی نمی توانم ...

باید او را می دیدم. با شنیدن صدای طنین انداز تلوزیون همانطور که قلب من فشرده شد فکر می کنم قلب او هم فشرده شده باشد. دلم می خواست به سمتش بدم و سفت و محکم در آغوشش بگشتم. می دانستم که برای مراسم عسای ربانی به کلیسا خواهد رفت. یکشنبه بود. به سمت کلیسا راه افتادم. آنجا بود! زیر درخت پیرحیاط کلیسا منتظر من بود. از چگلی هر بار که او را می دیدم قلبم دیوانه وار می تپید. زیر درخت کنارش نشستم. دستش را گرفتم چشمانش از من دور بود. او به صورت من نگاه نمی کرد. می خواستم در آغوش بگیرم. دستش را کشید و امتناع کرد. سکوتش، حالت چهره اش، سردی اش... انگار دیواری نامرئی بین ما ساخته بود. با لبانی لرزان گفتم: چت شده چرا به چشمانم نگاه نمی کنی؟

با صدایی که گویی به او تعلق ندارد گفت:

**دیگه نمیتونیم همدیگه رو ببینیم**  
سخت، سنگین، سرد، یخ زده ...

گفتم: دیگه دوستم نداری، نه؟ ولی هیچ چیز تغییر نخواهد کرد، من تو رو دوستت خواهم داشت. هراتفاقی که بیفته!

گفت: دیگه نمی توانم دوستت داشته باشم. الان قلبت شکسته میشه ولی یک روز، درکم خواهی کرد!

حرفش قلبم را پاره پاره کرد، آرزو کردم در آن لحظه در خواب باشم. سکوت کردم سکوتی عمیق... دیگه نمی توانستم لبانم را تکان دهم. آوای قلبمان یکی بود قلب هایمان یکسان می تپید... ولی چطور می شد! اون دوست دوران کودکی من بود، عشق من، همه چیز من بود. ناامیدی مانند گودال عمیقی در درونم شکل گرفته بود. جای خالی آن گودال لعنتی با هیچ چیز پر نخواهد شد... حس خونی که از شکاف لب خشکیده ای که از تشنگی ترک خورده و بدون جاری شدن خشک شده را داشتم. برای آخرین بار به او نگاه کردم، با شاخه ی خشکی که در دست داشت، زمین را می کاوید. ولی پس چرا سرش را بلند کرد و یک لحظه به چشمانم نگاه کرد.

نویسنده: Buse cetiner uez

ترجمه: س. حمید رابط

## وقتی پاهایم یاری نکرد

داستان کوتاه وقتی پاهایم یاری نکرد، داستانی عمیق و شاید آشناست که از نویسنده ای ترک به فارسی برگردانده شده

ترجمه از ترکی استانبولی

چشماش متعلق به خودش نبود چشمانی که من عاشقش بودن نبود! من هرگز اجازه نمی‌دم چیزی عشق ، وجدان و شفقت را از وجود من بیرون بکشد ، من را تسخیر کند. در همان نگاه آخر تصمیمم را گرفتم...

دقایقی راه رفتم ، نمی دانستم کجا می روم. افرادی که هر روز به آنها سلام می کردم از من روی برگردان شده بودند. پنجره هایشان را روی صورتم می بستند. پیرمردی که از آنجا می گذشت با تلخ ترین لبخند جهان گفت: وقتی وجدان آدم کور می شود، قلبش هم تیره می شود. ناظر شدم... قلبهای سیاه، سکوت دنیا! نگاه های خصمانه مردمی را دیدم که سال ها دراین محله با آنها زندگی کرده بودم. انگار هیچ وقت یکی نبودیم ، هیچ وقت عاشق هم نبودیم ، حتی سر یک میز هم ننشستیم... در حالی که من چیزی جز عشق در وجودم نداشتم. ما همه انسان بودیم ، فقط انسان!

**پاهایم** را به زمین کشان کشان راه می رفتم ، آتش قلبم تمام وجودم را فرا گرفته بود. افکاری که در ذهنم می چرخید مرا می ترساند. به یاد خوابی که دیشب دیدم افتادم. وقتی به حالت هوشستناکی عرق کرده از صدای انفجاراز خواب پریدم و به سمت سالن دویدم ، فریادهای جان سوز. هیچ چیز مثل قبل نخواهد شد ، می دانستم!



### وقتی پاهایم یارای رفتنش را از دست داد

مثل آن دوچرخه زنگ زده ، متعصب در مقاومت ، به دیوار ساختمان ویرانه تکیه دادم.

نویسنده : Buse çetiner ozer

ترجمه: س.حمید رابط





# Do it

## Asla Pes Etme

Şimdi motivasyonunu sağla, azmini toparla ayağa kalkma zamanı.

Başarısızlıktan korkma. Asıl suç hedefini düşük tutmaktır. Büyük bir girişimde, başarısız olunsa bile bu muhteşem bir şeydir.

- Bruce Lee

Yaşadığın savaşları, aklındaki düğümleri, kalbindeki acıları, geçtiğin yolları bir tek sen biliyorsun. Güçlü değilsin evet ama buradasın ve bunun senin için çok şey olduğunu da sen biliyorsun.

**Pes etme!**

Never Give Up  
**Loop**  
هرگز نسلایم ننتو





# 2023 International Beer Day

International Beer Day is a celebration on the first Friday of every August founded in 2007 in Santa Cruz, California by Jesse Avshalomov.

Since its inception, International Beer Day has grown from a small localized event in the western United States into a worldwide celebration spanning 207 cities, 80 countries and 6 continents.



# International Beer Day



## اولین جمعه از ماه اوت (آگوست)

**روز جهانی آبجو** جشنی است که در اولین جمعه ی ماه اوت هر سال به پا می‌شود. این جشن را جسی اوشالوموف سال 2007 در سانتا کروز، کالیفرنیا پایه گذاشت. از زمان آغاز این روز جهانی، از یک رویداد محلی کوچک در غرب ایالات متحده آمریکا به جشنی جهانی در 207 شهر، 80 کشور و 6 قاره تبدیل شده‌است.

### برای روز جهانی آبجو سه هدف اعلام شده‌است:

1. جمع شدن با دوستان و لذت بردن از طعم آبجو
2. برای گرامیداشت کسانی که مسئول تهیه آبجو هستند یا آن را سرو می‌کنند.
3. برای متحد کردن جهان زیر پرچم آبجو. با بزرگداشت آبجوهای کشورهای مختلف در کنار هم و در یک روز مشترک



ت های مختلف

آرشیو کلی مجله های کم باب مجله های خارجی زبان اصلی مجله

دانلود رایگان

# ژورنال های روز دنیا

دانلود رایگان مجله و ژورنال های روز دنیا به زبان اصلی و انگلیسی  
 مجله های مد عکاسی تکنولوژی زنانه و مردانه از کشور های  
 مختلف به صورت فایل پی دی اف (PDF)



رفتن به صفحه آرشیو

izmirtimes  
 © Designed by GERSUZ - All Rights Reserved

3 7 12 16 18



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید  
 ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله ازمیرتایمز E38





# Branding . Marketing

SEO - Web Design - Graphic - Social Media

Instagram - Facebook - LinkedIn - Pinterest - Youtube

برندینگ - مارکتینگ - طراحی و بسایت و خدمات SEO



izmirtimes

© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله ازمیرتایمز E38

# Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

## استایل ایمو

ایمو که از کلمه "emotional" و به معنای "duygusal" در ترکی گرفته شده است، یک فرهنگ و سبک زندگی است.



izmirtimes

© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله از میرتایمز E38



# استایل ایمو

## استایل احساسی مصوب نوجوانان

### فرهنگ ایمو

ایمو که از کلمه "emotional" و به معنای "duygusal" در ترکی و در فارسی به معنای احساسی گرفته شده است، یک فرهنگ روند مد و یک سبک زندگی است. افرادی که این روند را دنبال می کنند موهای خود را سشوار می کشند و به چشمان خود ریمل می زنند. معمولاً از پیرسینگ استفاده می کنند. آنها بیشتر لباس ورزشی می پوشند، از تی شرت های چاپ شده استفاده می کنند و شلوارهای جین تنگ می پوشند.

**در** اواسط دهه 2000 با استایل کاملاً جدیدی از جوانان روبرو شدیم که سبک موسیقی جدید آن دوره را تجربه می کردند ایمو برگرفته از کلمه emotion که به معنای احساس است، در اصل یک سبک موسیقی بود. یکی از زیر گروه های راک و متال، ایمو در دهه 2000 ظهور کرد، زمانی که موسیقی راک بسیار محبوب بود. گروه ایمو راک یکی پس از دیگری در حال شکل گیری و تولد یک فرهنگ بودند. پس از مدتی سبک ایمو به طور ناگهانی به یک روند بزرگ و محبوب، به خصوص از نظر مد و استایل تبدیل شد.

استایل ایمو که به سرعت از طریق پلتفرم های رسانه های اجتماعی آن دوره پخش شد، حس مد منحصر به فردی داشت. پیرسینگ های فراوان، موهای لایه لایه، آرایش چشم تیره، ترکیب لباس های پسرانه با اکسسوارهای سبک راک، سنگ بنای استایل ایمو بود. استایل ایمو هنگامی که به طور ناگهانی گسترش یافت، بسیاری از جوانان این سبک را انتخاب کردند، حتی اگر ربطی به این فرهنگ نداشت.

کسانی که به موسیقی ایمو گوش می دادند و با این فرهنگ آشنا بودند، کسانی را که به فرهنگ ایمو فقط به عنوان یک استایل مد نگاه کرده و از آن استفاده می کردند، به عنوان انسانهای خودنما متهم کردند.

جوانان آن دوره با به بیرون آمدن از نوجوانی تغییر کردند، احساساتی که در فرهنگ ایمو تجربه کرده بودند تبدیل به یک روند فراموش نشدنی شد و اگرچه امروزه ترند ایمو فقط یک استایل نوستالژیک است و گفته می شود که نسل جدید تجسمی از استایل و فرهنگ ایمو ندارد، اما مشاهده می شود که استایل ایمو در عصر امروز دوباره در حال ظهور است، به خصوص جهت جدید دنیای موسیقی امروز از این فرهنگ حمایت می کند.

## Alt kültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürüdür, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

# Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی



در فضای مجازی، هر کسی که تازه وارد خرده فرهنگ ایمو شده باشد به راحتی می تواند آن را پیدا کند. برای داشتن یک مدل موی واقعی emo حتی به کمک آرایشگر نیاز ندارید، تنها چیزی که نیاز دارید کمی تخیل و کمی کمک یک دوست خوب است. این مدل موی شیک شاید نمادین ترین عنصر خرده فرهنگ ایمو باشد.

## ایمو برده پوشاک مارک دار نیست

پوشش و لباس در استایل ایمو یکی دیگر از عناصر جالب این استایل است. شلوار جین و تی شرت های تنگ، که اغلب با نام گروه و خواننده مورد علاقه شان طرح دار شده، کفش های اسکیت، جوراب های راه راه، لوازم جانبی مختلف، دستبندهای چاهی، پیرسینگ و بسیاری از ویژگی های جالب دیگر که جوانانی عاطفی را مشخص می کند. به طور کلی، ایموها پول زیادی برای لباس خرج نمی کنند. سبک ایمو نسل جدید که اخیراً در اینستاگرام مطرح شده است نیز جلب توجه می کند.

## Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

My Chemical Romance، یکی از اولین گروه هایی است که وقتی صحبت از موسیقی ایمو به میان باشد، به ذهن می رسد، و ستاره های جدیدی مانند Billie Eilish و Post Malone فضایی را ایجاد کردند که فرهنگ و استایل ایمو با موضع گیری جدیدی ظهور کند.

## آیا فکر می کنید استایل ایمو دوباره محبوب خواهند شد؟

مدل موی استایل ایمو در حال حاضر، گرایش های خرده فرهنگی، متنوع و در هم تنیده شده اند، اما بیشتر آن ها با یک ژانر موسیقی خاص، برای نسل های زیادی به یک کلاسیک تبدیل شده است. فرهنگ ایمو در زمان های اخیر با تمام گرایش های خرده فرهنگی دیگر بسیار متفاوت شده است. آنها نه تنها در نحوه لباس پوشیدن، بلکه در نوع نیز متفاوت هستند. ترجیحات موسیقایی، نوع رفتار و همچنین نحوه درک آنها از جهان و خودشان.



یکی از مهم ترین ویژگی هایی که خرده فرهنگ ایمو را متمایز می کند، استایل مو است. اگر موهای کوتاهی دارید، باید صبور باشید و منتظر بمانید تا آنقدر رشد کنند که صورت را کاملاً بپوشاند و یا حداقل به نوک بینی برسد. مدل موها در استایل ایمو یونیسکس بوده و در میان دختران و پسران به یک شکل است. معمولاً موها در استایل ایمو کوتاه، سیاه یا رنگ شده، عمدتاً قرمز تیره هستند. یکی از ویژگی های بارز مدل موی ایمو، چتری بودن این مدل موست که البته قسمتی از موها، به قدری بلند می شود تا از سمت یک چشم به پایین سرازیر باشد، بنابراین تقریباً نیمی از صورت را می پوشاند و کاملاً صاف می شود و معمولاً زمینه مشکی و هایپلایت های رنگی استفاده می شود. ایموها روزانه تافت ها و اسپری های ثابت کننده فراوانی را برای حالت دهی موهای خود استفاده می کنند.



## Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

پوشش و لباس در استایل ایمو یکی دیگر از عناصر جالب این استایل است. تی شرت های تنگ، که اغلب با نام گروه و خواننده مورد علاقه شان طرح دار شده، کفش های اسکیت، جوراب های راه راه، لوازم جانبی مختلف، دستبندهای چاپی، پیرسینگ و بسیاری از ویژگی های جالب دیگر که جوانانی عاطفی را مشخص می کند.

به طور کلی، ایموها پول زیادی برای لباس خرج نمی کنند



5th St. **GRILLED CHEESE**

# NEW YORK BURGER

Yemeksepeti

سفارش آنلاین در محدوده



ازمیر



250gr

همبرگر  
به سبک ایرانی

نیویورک برگر  
با مدیریت ایرانی

+90(535) 686 22 62



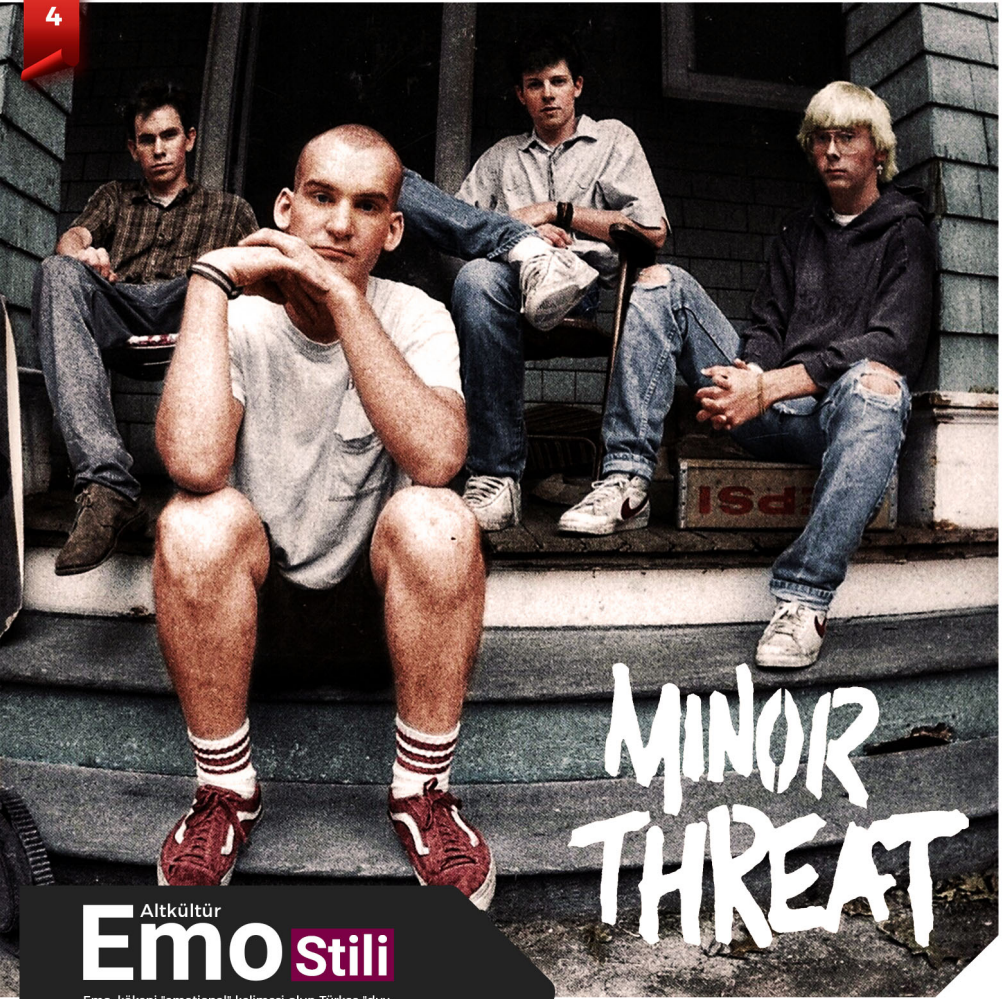
مشاهده لوکیشن  
در گوگل مپ

اینجا کلیک کنید

WhatsApp







## Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

وقتی به دهه 90 برمی گردیم، موج جدیدی از ایمو را می بینیم. این ژانر گذشته پانک راک خود را حفظ کرد و عناصر جدیدی به آن اضافه شد. صدای داینامیک بلند و بی صدا ، آکوردهای اکتاو، ریف های جذاب و آوازها بسیار محبوب شده اند. گروه هایی مانند Sunny Day Real Estate, Texas Is The Reason, Mineral پیشگامان ایمو دهه 90 هستند. در عین حال، این گروه ها به عنوان پیشگامان ژانر Midwest Emo دیده می شوند که حدود 10 سال آینده متولد خواهند شد.

## Emotive Hardcore

موسیقی سبک ایمو در ابتدا به عنوان مخفف "Emotive Hardcore" یا "Hardcore" پدید آمد. در واشنگتن دی سی با پانک های هاردکور که به دنبال چیز جدیدی بودند شکل گرفت. می توانیم اولین گروه های ایمو را Rites Of Spring, Embrace و Orchid بنامیم. صدای اولیه ایمو به عنوان "Emocore" نیز شناخته می شود، اما اصطلاح Emocore نیز در طول زمان تغییر زیادی کرده است. همچنین، اعضای Rites Of Spring گفتند که اصطلاح Emocore را بسیار احمقانه می دانستند. هاردکور عاطفی مانند هاردکور پانک از نظر موسیقایی سخت و سریع کار کرده است، اما از نظر شعر ، مضامین بسیار احساسی هستند.



# Alt kültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی

# دهه ۹۰

گروه هایی مانند Tigers Jaw، Balance and Composure و Modern Baseball این دوره را در اولویت قرار دادند. در این دوره آلبوم های زیادی با ترکیب ژانرهای مانند Indie Rock، Pop Punk و Post-Hardcore، Midwest Emo ساخته شد.

امروزه، تأثیرات جنبش احیای ایمو همچنان ادامه دارد. بسیاری از گروه های جدید و زیبا در حال ظهور هستند.

گردآوری: مجله از میرتایمز  
ترجمه: س.حمید رابط

در دهه 90، سبک دیگری در کنار موج برتر ایمو توسعه یافت. گروه هایی مانند Braid، Jawbreaker، Cap'n Jazz، Post-Hardcore، re. آنها با سخت تر و بلندتر کردن آواز و تندتر کردن ریتم گیتار، موسیقی خود را به ابتدای ژانر ایمو نزدیک تر کردند.

وقتی به دهه 2000 می رسیدیم، موسیقی ایمو کم کم با پاپ راک و پاپ پانک تلاقی پیدا کرد و دوره ای فرا رسید که از مفهوم "ایمو" دوری شد. شاید از نظر آهنگ ها این دوره را خیلی دوست داشته باشیم اما در کل بیشترشان شبیه هم هستند و بدیع نیستند. همچنین آن زمان، زمانی بود که مردم خجالت می کشیدند بگویند به ایمو گوش می دهند.

وقتی به دهه 2010 می رسیدیم، پاپ راک شروع به از دست دادن محبوبیت خود کرد که طبیعتاً پاپ ایمو هم شروع به از دست دادن محبوبیت خود کرد. در این دوره، موج Revival ایمو شروع شد و شرکت های ضبط موسیقی مانند Run for Cover Records و No Sleep Records بستر جدیدی را برای بسیاری از گروه های ایمو فراهم کردند.

## Alt kültür Emo Stili

Emo، kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü، yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی



izmirtimes

© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله از میرتایمز E38



# HAYLEY WILLIAMS

Hayley Nichole Williams (d. 27 Aralık 1988), Amerikalı şarkıcı, söz yazarı, müzisyen ve iş insanıdır. Amerikan rock grubu **Paramore** grubunun ana vokalisti ve klavyecisidir.

هیلی ویلیامز  
خواننده گروه پارامور

## Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.



izmirtimes

© Designed by GERSUZ - All Rights Reserved



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

E38 مجله از میرتایمز



## Altkültür Emo Stili

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

## پارامور (Paramore)

در نهایت گروه به طور رسمی به وسیله جاش فارو (گیتاریست اصلی/همخوانی)، زاک فارو (درام)، جرمی دیویس (بیس) و هیلوی ویلیامز (خواننده اصلی) در سال 2004 به علاوه همسایه ویلیامز با نام جیسون باینم (گیتار ریتم) شکل گرفت. با نظر ویلیامز، نام «پارامور» از نام مادر یکی از اولین نوازنده های گروه گرفته شد.

هنگامی که گروه با معنای دیگر واژه پارامور با املایی متفاوت (Paramour) به معنای «عاشق اسرارآمیز» آشنا شد، تصمیم گرفت تا این اسم را با املای پارامور برای خود برگزیند. اولین ترانه ای که اعضای گروه با یکدیگر ساختند Conspiracy نام داشت که بعدها در اولین آلبوم آنها نیز قرار گرفت. در همان سال ها پارامور در مناطقی خارج از نشویل کنسرت هایی داشتند، که شامل جشنواره PurpleDorr و WarpedTour می شدند.

- برگرفته شده از ویکیپدیا

یک گروه راک آمریکایی با استایل ایمو و نامزد دریافت جایزه گرمی در سال های 2008، 2010 و 2011.

اعضای گروه هیلوی ویلیامز (خواننده، کیبورد)، جرمی دیویس (گیتار بیس) و تیلور یورک (گیتار) در فرنکلین، تنسی، آمریکا شکل گرفت. گروه اولین آلبوم خود را در سال 2005 با نام تمام آنچه ما می دانیم در حال سقوط است که (نام اصلی آن در انگلیسی: All We Know Is Falling) منتشر کرد.

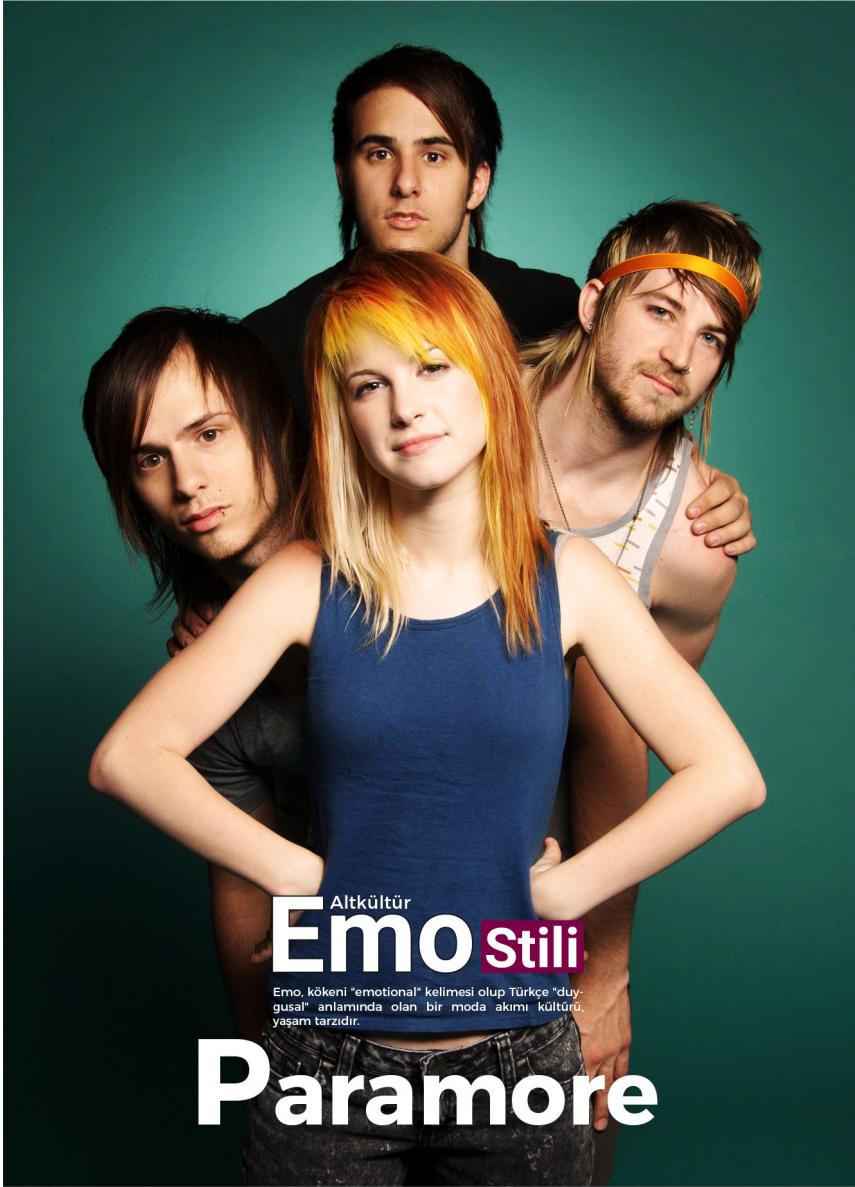
دومین آلبوم آنها در سال 2007 به نام آشوب! (به انگلیسی: Riot!) به انتشار درآمد در حالی که مجوز آلبوم پلاتینی در آمریکا، آلبوم طلایی در انگلیس، ایرلند و نیوزیلند را کسب کرد. آلبوم سوم پارامور با نام چشمهای ترو تازه (به انگلیسی: Brand New Eyes) در 29 سپتامبر سال 2009 منتشر شد.

در سال 2002، خواننده گروه پارامور، هیلوی ویلیامز، که سیزده سال داشت از شهر خود، مریدیان، می سی سی پی به فرنکلین، تنسی رفت و در آنجا در حالی که در انتظار یک آموزشگاه ملی بود با دو برادر، جاش و زاک فارو، آشنا شد. مدت کوتاهی پس از رسیدن به فرنکلین، هیلوی ویلیامز به یادگیری درس های خوانندگی پرداخت.

در هر حال، اولین اعضای تشکیل دهنده پارامور، ویلیامز و بیسیست، جرمی دیویس، همراه یکی از دوستان به نام کیمی رید، در یک گروه پانک به نام The Factory شرکت کردند، در حالی که برادران فارو بعد از مدرسه با یکدیگر به تمرین می پرداختند.

# Paramore





Altkültür  
**Emo Stili**

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

# Paramore

Paramore 2004 yılında Franklin, Tennessee'de kurulmuş bir Amerikan rock grubudur. Grup şu anda baş vokalist Hayley Williams, gitarist Taylor York ve davulcu Zac Farro'dan oluşmaktadır.

Grubun kurucu üyeleri Williams ve Farro, İse arkadaşlarıydı. York ise 2007'de gruba katıldı. Grup, her ikisi de Warner Music Group'a ait olan Atlantic Records'un bir yan kuruluşu olan Fueled by Ramen ile anlaştı.

# همه چیز درباره ازمیر BÜYÜKŞEHİR

## مجله ازمیرتایمز

ترجمه فارسی ادبیات و لایف استایل ترکیه

مطالعه ادامه در وب



## ازمیر شهری پیشرو

# 150

1868

İZMİR BÜYÜKŞEHİR BELEDİYESİ

**EN** Izmir is a city on Turkey's Aegean coast. Known as Smyrna in antiquity, it was founded by the Greeks, taken over by the Romans and rebuilt by Alexander the Great before becoming part of the Ottoman Empire in the 15th century. Today, its expansive archaeological sites include the Roman Agora of Smyrna, now an open-air museum. The hilltop Kadifekale, or Velvet Castle, built during Alexander's reign, overlooks the city.



زندگی شبانه ازمیر  
فستیوال ها و جشن ها  
مکان های گردشگری  
ادبیات و داستان کوتاه  
لایف استایل



ترجمه فارسی ادبیات و لایف استایل ترکیه

izmirtimes.gersuz.com.tr

مجله ازمیرتایمز E38







150  
1868

İZMİR BÜYÜKŞEHİR BELEDİYESİ



# چرا از میر

## قابل زندگی ترین شهر ترکیه

از میر بیا فکر میکنند کسانی که در از میر زندگی می کنند جزو خوش شانس ترین افراد هستند ، چون می دانند که ده ها ویژگی موجود در از میر ، این شهر را به یک شهر شگفت انگیز تبدیل کرده است.

مطالعه در وب



2023

## رقص سالسا در از میر

آدرس سالن های رقص سالسا در از میر

رقص سالسا در از میر به همراه عکس و فیلم و آدرس سالن های رقص در گوگل مپ از میر میخانه ها رستوران ها و مکان های روباز مکانهای تفریحی از میر.

مطالعه در وب



سالن های رقص سالسا در از میر

2022

## ماهگیری در از میر

کدام مناطق را برای ماهگیری در سواحل از میر ترجیح دهیم؟

راهنمای کامل ماهگیری و گردشگری سواحل از میر معرفی مکانها تجهیزات نوع ماهی ها قلاب های ماهگیری در از میر ترکیه به همراه فیلم تفریحات از میر

مطالعه در وب



خلیج های از میر



# Tarla kuşunun kehaneti

نویسنده: Mehmet Taşdemir

ترجمه: س.حمید رابط

داستان کوتاه

## پیشگویی چکاوک

ترجمه فارسی از ترکی استانبولی

ترجمه فارسی از ترکی استانبولی داستان کوتاه  
پیشگویی چکاوک حکایتی از امید و عشق در دل ناامیدی  
از نویسنده ترک محمت تاش دمیر.

ترجمه فارسی داستانهای ترکی





# داستان کوتاه شگویی چکاوک

ناگهان صدای چکاوکی به آسمان بلند شد. انگار پیشگویی را اطلاع رسانی می کند. " اگر من یک پرنده بودم ، آن وقت در مورد این موضوع چی می گفتند؟ " بدون اینکه متوجه شود به صورت غیر ارادی دوباره دستانتش به سمت شکمش رفت. خورشید به صورت کامل بالا آمده بود. او فکر کرد: "نفر امروز هم بدون صبحانه رفت " اگر مرا دوست نداشتی ، حتی یک روز هم در این خانه نمی ماندم."

او نمی دانست که نفر چقدر منتظر خواهد ماند. برگشت و به آب چای نگاه کرد. آب نزدیک بود به جوش بیاید. زیر آن را کم کرد و دو قاشق چای در قوری ریخت. وقتی غروب برگشت به نفر خواهد گفت. اگر نمی خواهی ، می توانم به خانه پدرم برگردم. میز کوتاه وسط اتاق را چید و صبحانه اش را آهسته آماده کرد. اگر ون نیاید ، نفر نمی تواند به شهر برود. شاید برگردد و با هم صبحانه بخورند. وقتی از پنجره به بیرون نگاه کرد، نفر رفته بود. بعد از صبحانه دوباره به سمت پنجره رفت. او تقریباً هر روز این کار را انجام می داد. او بی صبرانه منتظر میماند تا نفر از ون پیاده شود.



نفر در حالی که سرش را خم کرد گفت: امروز هم نه. بعد با هم رفتند داخل.

آلما گفت: " اما تو گفتی که این بار امید وجود دارد " نفر گفت: یکی دیگر را بردند. با اینکه داداش جعفر پا در میان کرده بود. با این حال... او کمی در مورد آنچه اتفاق افتاده بود صحبت کرد. آن مرد برادر شوهرش را در بخشی که من امیدوار بودم وارد شوم استخدام کرده. داداش جعفر گفت بین خدومون بومنه ولی ،طرف دیروز دختر خواهرشوهرش را در پست دیگری استخدام کرده. همین سه روز پیش، او شش برادرزاده اش را وادار کرد تا بخش های جدیدی را راه اندازی کنند تا آنها را سر کار بگذارند.

آلما با دردی عمیق در دل از پنجره به بیرون خیره شده بود و دور شدن نفر را از میان مزارع گندمی که یک اینچ بزرگتر شده بود نظاره می کرد. به دلایلی احساس کرد چکاوکی در یکی از مزارع دور به پرواز درآمد.

با خود گفت:

آیا آنها مثل من هستند؟ فقط دو متر میتونن پرنن او به آرامی شکم خود را با دو دست لمس کرد. نفر داشت به جاده نزدیک می شد. آلما فکر کرد، " اگر می توانست امشب با خبرهای خوب برگردد ". نفر در ماه گذشته تقریباً هر روز در راه شهر بوده.

عصر که به خانه برگشت از شدت تشنگی لب هایش به هم چسبیده بود. کلمه « امروزهم نه » هر بار به سختی از دهانش بیرون می آمد. آلما این بار با یک دست شکمش را لمس کرد. هیچ تغییری وجود نداشت. او و نفر سه سال بود که ازدواج کرده بودند. آنهایی که همزمان با آن دو ازدواج کرده بودند اکنون صاحب دو یا سه فرزند بودند.

صدای چکاوکی که تازه بلند شدنش را احساس کرده بود مدتها در هوا طنین انداز شد. من هم مثل او مشتاق هستم. تازه علاوه بر اون ما هر شب سه... با خودش تجسم کرد و از خجالت چشمانش را بست. نفر کنار جاده ایستاده بود و منتظر مینی بوس دهکده بود تا کمی بعد او را ببرد. دیشب دوباره آن خواب را دیده بود. شکمش مانند بینیش بود.

می ترسید دست هایش را از روی شکمش بردارد. اگر دست هایش را برزن بارداری می داشت، انگار طلسم شکسته می شد و دوباره همه چیز به اول باز می گشت. شکمش در یک لحظه خالی می شد و یک پیچش دردناک جای آن را می گرفت.

وقتی از خواب بیدار شد، هنوز دستانتش روی شکمش بود. به جای خالی شکمش خیره شد و لرزان گریه کرد. عمیق اما بی سر و صدا. حتی نفر هم متوجه نشد که گریه می کند. در آن لحظه باد ملایمی وزید. مزرعه گندم به طور مبهمی تکان می خورد. فصل بارندگی بود، اما چند روز بود که قطره ای از آسمان نیفتاده بود. با این وضعیت ، محصولات قبل از اینکه حتی رشد کنند خشک خواهند شد. آلما به آسمان نگاه کرد و آهی کشید. او تا زمانی که نفر سوار مینی بوس نشود از جلوی پنجره تکان نخواهد خورد. مینی بوس هم که انگار آمدن را بلد نبود. یا شاید هم به چشم او اینگونه بود.

یک روز او این جمله را شنید که " معلوم بود این زن بی ثمر است ". او می دانست که در چنین موقعیت هایی کلمات آزاردهنده تر می شود. نفر گفته بود: " مادر من اینطور صحبت نمی کند یکی قطعاً این کلمات را در دهان مادرم انداخت " او سکوت کرد و اظهار نظر نکرد. او فکر می کرد که حق ندارد بگوید " من بی ثمر نیستم ". اما اگر دلایل دیگری وجود داشته باشد چی؟ اما فکر می کرد بی ثمر بودن شکمش فقط تقصیر خودش است. زیرا این از آنجا معلوم بود که هیچکس به نفر چیزی نمی گفت.

اتوبوس هنوز نرسیده بود. اجاق گاز دو شعله ای که با کپسول کار می کرد را در داخل بالکن پشتی با عجله روشن کرد و روی آن چای گذاشت. او فکر کرد: نفر حتی یک بار هم این موضوع رو به روم نیاورده ، دوباره از پنجره بیرون را نگاه کرد.



فردا دوباره میری؟ آتما پرسید.

یفر گفت: باید بروم. صدایش ناامید کننده بود. چاره ای ندارم.

بعد از اینکه آتما مدتی سکوت کرد، دوباره میگی نه ولی من میگم بیا چندتا گاو بیاریم. بعد از به مدت زادوولد می کنند و زیاد میشن. ما می توانیم انجامش دهیم.

یفر تا مدتها جوابی نداد. با هم به داخل اتاق رفتند. آتما می خواست قبل از چیدن میز شام در این مورد صحبت کند.

یفر گفت: نه من نمی خواهم تمام سال های تحصیلم به هدر برود. کاش می توانستم کمی بیشتر تلاش کنم. آتما بی سر و صدا از اتاق خارج شد. هوا گرگ و میش بود و نور بی رقم غروب از پنجره به کف اتاق افتاده بود.

آن شب، قبل از رفتن به رختخواب، آتما دوباره شکم خود را لمس کرد، بدون اینکه یفر بفهمد. او از اینکه چقدر اعتماد به نفس دارد شگفت زده شده بود، گویی با این روش می توانست روحی را که در رحم او رشد می کند پیدا کند. با هیجان درونش که هر شب با امیدی جدید تکرار می شد، به رختخواب رفت. چراغ را خاموش کرده بود. او نظاره گر شوهرش بود که به آرامی در زیر نور ضعیفی که از پنجره افتاده بود، لباسهایش را در می آورد. مدتی صبر کرد تا شوهرش به او نزدیک شود. یفر به سقف خیره شده بود. او با ابهام گفت: فردا هم باران نخواهد آمد. این کلمه همیشه آتما را مضطرب می کرد.

با خود گفت: هیچ امیدی نداشته باش امشب هم هیچ اتفاقی نمی افتد. برای یک لحظه دست یفر را روی شکمش احساس کرد. یفر به آرامی او را در آغوش گرفت. آتما با هیجانی عمیق تمام اتفاقات بد و منفی که در سینه اش وز وز می کرد را قلم سیاهی کشید بار دیگر خود را به یفر تسلیم کرد.

روز بعد، پس از رفتن نفر، آتما به آسمان نگاه کرد. حتی یک ابر هم نبود. محصولات کشاورزی روزها بود که به یک اندازه بودند. آنها یک سانت هم بزرگ نشده بودند. به دیشب فکر کرد نفر هنوز به جاده نرسیده بود که دستانش را روی شکمش گذاشت. مزارع گندمی که نفر در آن راه می رفت، قبل از اینکه رشد کنند، زرد شده بودند.

یفر روزها به شهر رفت و آمد کرد. وقتی عصر به خانه برگشت، آتما بدون اینکه بپرسد می گفت: آن مرد امروز دو تا از همکلاسی های دامادش را استخدام کرد. با این که، شانزده نفر در صف منتظر بودند، زیرا آنها شایسته این بودند که به این وظیفه منصوب شوند. معلوم شد که آن مرد سگش را هم به دستمزد بسته است. اما هیچ بنده خدایی این را نمی داند، حتی خود سگ... با گفتن این جمله آخر لیخند دردناکی به لبانش آمد. آتما دیگر به این کلمات عادت کرده بود. به همین دلیل از هیچ خبری که یفر می آورد تعجب نمی کرد.

یفر تقریباً هر روز به مدت سه ماه کامل به شهر رفت و آمد داشت. کلی هزینه رفت و آمد کرده بود. آتما در هر فرصتی به او می گفت: دیگه نرو. در نهایت به نظر می رسید که او کمی این وضعیت را پذیرفته است.



## داستان کوتاه شگویی چکاوک

یک بار دیگر تلاش کرد، اما تلو تلو خورد و روی بازوی چپش افتاد. همه چیز در اطراف او شروع به چرخش کرد. اکنون تمام دنیا شبیه آب کدري شده بود. زمین را از شدت درد چنگ زد. انگار برای یک لحظه زُفر را دید. صورتش مثل همه چیزهایی که دیده بود تار بود. صدایی بارها و بارها پرسید: چی شده آتما؟

وقتی چشمانش را باز کرد، در صندلی عقب مینی بوس روستا بود و از پنجره به بیرون نگاه می کرد، می دانست که آنها به شهر آمده اند. زُفر درست کنارش بود. مینی بوس جلوی بیمارستان ایستاد.

مدت زیادی در اتاق دکتر نماند. دکتر چیزی در گوش زُفر گفت.

### آتما یک ماهه باردار بود!

مینی بوس دهکده دم در منتظر آنها بود. زُفر بازوی آتما را گرفت و او را سوار کرد. آتما به چشمان شوهرش نگاه کرد. زُفر گفت: دکتر گفت که تو باردار هستی. آتما فرصتی برای پرسیدن سوال نداشت. ون با اولین صدای رعد و برق لرزید و با نزدیک شدن به روستا، باران شدید خودش را به شیشه جلوی مینی بوس می کوبید.

نویسنده: Mehmet Taşdemir

ترجمه: س. حمید رابط

www.edebiyathaber.net

اما دوباره صبح زود از خواب بیدار می شد و روی محصولاتی که ماه ها بود یک قطره باران ندیده بودند پا می گذاشت و انگار می خواهد یه شهر برود منتظر مینی بوس روستا می شد، اما وقتی مینی بوس از راه میرسید، سوار نشده و دوباره برمیگشت و آتما هر روز صبح او را پشت پنجره تماشا می کرد. و این روزها ادامه داشت.

سرانجام زُفر به این وضعیت پایان داد. علاوه بر این، رنگ پریدگی صورت آتما اخیراً توجه او را به خود جلب کرده بود. آتما انگار بخشی از آن طبیعت بود. مثل محصولات زیر آفتاب انگار با هر چیزی که محو می شد همراهی می کرد. اگر زمین خشک بود، رحم او نیز خشک شده بود. با زرد شدن محصولات گویی رنگ صورت او نیز تغییر کرده بود. بعضی روزها به دلیل خستگی از رختخواب بلند نمی شد. زُفر کنار تختش نشسته و می گفت. "به آنچه که پشت سرمان می گویند اهمیت نده. کسانی که تو را بی ثمر خطاب می کنند، وقتی روزش برسد پشیمان می شوند. آتما می گفت: می دانم که می خواهی به من دلداری بدهی. زُفر بلند شد و با ناامیدی از پنجره به آسمان نگاه کرد. هر بار که به آن نگاه می کرد غرغر می کرد: امروز هم باران نمی بارد.

گاهی دست آتما را می گرفت. چقدر آن انگشتانش زیبا و خوش فرم بودند! آتما هر چند وقت یک بار از او آب می خواست. وقتی کمی حالش بهتر شد و بلند شد، اولین کاری که کرد این بود که سوپ بیزد.

تایستان عالی ولی بدون باران بود. محصولات سیاه شده و با خاک یکی شدند. یک روز که زُفر در خانه نبود، آتما بیرون رفت. در قسمت جنوب، ابری به اندازه کف دست را در افق دید. طوری به ابر خیره شد که انگار به معجزه نگاه می کرد. او برای یک لحظه هیجان زده شد تا ببیند آیا کسی آن را دیده است یا خیر.

چشمانش دنبال آدمها می گشت. حالا کاری از دستش بر نمی آمد جز اینکه پشتش را به دیوار حیاط تکیه داده و منتظر بماند. آن مشت ابر هر لحظه به وضوح در حال رشد بود. می خواست بایستد اما نتوانست.





## Alt kültür **Emo Stili**

Emo, kökeni "emotional" kelimesi olup Türkçe "duygusal" anlamında olan bir moda akımı kültürü, yaşam tarzıdır.

ترجمه از ترکی استانبولی



# داستانهای ترجمه شده از نویسندگان ترکیه ای

ترجمه: س. حمید، رابط

## بعضی ها پس از نوشتن داستانشون و انتشارش پشیمون میشن

آگاتا کریستی نویسنده معروف انگلیسی با وجود 33 رمان و 56 داستانی که درباره کارآگاه معروف هرکول پوارو نوشت، هیچوقت طرفدار این شخصیت نبود.

سر آرتور کانن دوئل دیگر نویسنده پراوازه انگلیسی ممکن است با شخصیت شرلوک هلمز یکی از ماندگارترین چهره های داستانی در تاریخ را خلق کرده باشد اما خودش از این کارآگاه دل خوشی نداشت و از او متنفر بود چون روی آثار فاخرش سایه انداخته بود و مانع از آن میشد که حضور قدرتمندتری در جهان ادبیات داشته باشد.

آلن الکساندر میلن وقتی مشخص شد موفقیت چهار کتابی که مجموعه وینی پو را تشکیل میدهند، دیگر آثار میلن را تحت الشعاع قرار خواهد داد، وی از نوشتن آنها پشیمان شد.

ویلیام پاول همزمان با آن که ارتش آمریکا میخواست او را به جنگ در ویتنام اعزام کند، در سال 1969 شروع به نوشتن کتابی به نام کتاب آشپزی آتارشیست کرد شامل دستورالعملهایی برای ساخت مواد منفجره، ابزارهای ابتدایی یک ارتباط از راه دور، سلاحهای مربوطه و شیوه ساخت موادمخدر غیرقانونی در منزل. این کتاب در سال 1971 منتشر شد. پاول در سال 2013 در مقاله ای توضیح داد که چرا فکر می کند باید چاپ این کتاب متوقف شود. اما از آنجایی که نویسنده هیچوقت حق مالکیت معنوی این اثر را نداشت نمیتوانست در این باره اقدامی کند.

لوییذا می آلکوت رمان نویس آمریکایی تمایلی نداشت کتابی درباره دختران بنویسد اما توماس نیلز، ویراستار کتاب، به این کار اصرار کرد. آلکوت در اولین تلاش برای نوشتن این رمان بی حوصله و کلافه شد و دست از کار برداشت اما وقتی نیلز گفت فقط در صورتی که یک بار دیگر نوشتن این کتاب را امتحان کند کتاب تفکرات فلسفی پدرش را منتشر خواهد کرد، لوییذا زنان کوچک را ظرف دو ماه نوشت. اگرچه این رمان موفقیت بزرگی کسب کرد اما الکتات برایش اهمیتی قائل نبود.

## داستان کوتاه سرنوشت

داستان دختری شلخته نامرتب افسرده و کشف گنجینه خاطرات پدربزرگش و رقص باله ، ترجمه فارسی داستان Yazgi

### مطالعه داستان

داستان کوتاه ترجمه از ترکی - س.حمید رابط  
ترجمه فارسی ادبیات ترکی - نویسنده ترکی ای



## داستان کوتاه چتر

ترجمه فارسی داستان کوتاه چتر به ترکی ترجمه از ترکی استانبولی داستان کوتاه چتر داستان آشنایی دو دختر

### مطالعه داستان

داستان کوتاه ترجمه از ترکی - س.حمید رابط  
ترجمه فارسی ادبیات ترکی - نویسنده ترکی ای



## داستان کوتاه او

او زیبا بود داشتن برای نفس کشیدن لای موهایی سیاه زغالی اش جون می دادم

### مطالعه داستان

داستان کوتاه ترجمه از ترکی - س.حمید رابط  
ترجمه فارسی ادبیات ترکی - نویسنده ترکی ای



## گودی آب

آب در این داستان ، روح معشوقی است که در درون عاشقش در جریان است لخطاتی تلخ و شیرین غرق در خاطرات و زمان

### مطالعه داستان

داستان کوتاه ترجمه از ترکی - س.حمید رابط  
ترجمه فارسی ادبیات ترکی - نویسنده ترکی ای





# SURF izmir

Urla / Alaçatı

## KITEBOARDING RIDING



### Learning

Many popular surfing destinations have surf schools and surf camps that offer lessons. Surf camps for beginners and intermediates are multi-day lessons that focus on surfing fundamentals.





# موج سواری در ازمیر

## بهترین فصل ها و مکان ها

October / May : ماه های

موج سواری ( Windsurfing ) از جمله فعالیت های نادری است که هم به عنوان یک ورزش آبی و هم به عنوان یک ورزش طبیعت گردی ، احساس آزادی و ماجراجویی را در شما ایجاد می کند.

در کشور ترکیه که از سه طرف توسط دریاها احاطه شده است مناطق زیادی برای موج سواری وجود دارد. با این حال ، Alaçatı در ازمیر شناخته شده ترین مکان در بین آنها بوده و دارای یک خلیج بسیار ویژه برای موج سواری است. به همین دلیل است که بزرگترین مسابقات بین المللی موج سواری در Alaçatı برگزار می شود. هر ساله هزاران نفر موج سواری را یاد می گیرند و در این مسابقات شرکت می کنند و برای اهداف تفریحی به Alaçatı می آیند.

### Muğla

بندر طبیعی Alaçatı با دریای هموارش با وجود باد شدید دائماً به عنوان یکی از مناسب ترین مناطق برای موج سواری در جهان دیده شده است. این امکان وجود دارد که موج سواران را از سراسر جهان در طول فصل باد از ماه می تا اکتبر در اینجا ببینید. آب دریا کاملاً کم عمق است ، باد از سمت شمال از اواسط ژوئن تا اواسط سپتامبر می وزد و امواج بیشتر از سمت جنوب در ماه های آوریل و اکتبر تشکیل می شوند که این خلیج جالب را امن و خصوصی می کند. این واقعیت که جریان در همان جهت باد است ، شرایط راحتی را برای موج سواران فراهم می کند. Alaçatı بدون شک قابل اعتمادترین منطقه در میان مناطقی است که بادهای شمالی دارند. با وجود اینکه باد غالب منطقه شمالی است ، بادهای ملتم ، لودوس ، پویراز و گرنس نیز در طول سال دیده می شود.

در ازمیر ، علاوه بر Alaçatı ، موج سواری با باد و کایت سواری در مناطق Çeşme ، Dikili-Çandarlı ، Seferihisar ، Menderes و Urla-Içmeler-Guzelbahçe انجام می شود. هر ساله در آغاز فصل گردشگری ، مناطقی که این ورزش ها در آن برگزار می شود توسط اداره استان ازمیر تعیین و منتشر می شود.

تماشای عکس ها و ویدیو ها

دوقلو های جدا ناپذیر Alaçatı و موج سواری

YouTube

# SURF

izmir

Urula / Alaçatı

## KITEBOARDING RIDING

### Learning

Many popular surfing destinations have surf schools and surf camps that offer lessons. Surf camps for beginners and intermediates are multi-day lessons that focus on surfing fundamentals.



## Javel Williams

A hobbyist growing into the art of photography. Challenging myself to perfect my style this year.

Florida -

**SURF**  
KITEBOARDING  
RIDING





## Yabancı Dillerde Reklam

**D**iğer dillerde reklam yapmak satış ve markalaşma gücünü arttırarak işletmelerin hedef kitesini arttırarak daha fazla satış ve daha fazla kar elde edilmesini sağlar.

**R**akip odaklılığı es geçip yalnızca müşteri odaklı olmak sizi öne çıkaramaz. Tüm Rakipleriniz ve siz, yalnızca müşteri odaklı Olduğunuzda ortaya çıkacak şey çok belli. Birbirinin kopyası ürünlerle dolu bir pazar. Bütün başarılı markalar belli bir odak noktasına sahiptir. Oturup isim düşünmek yerine strateji düşünmeye odaklanmalısınız.

izmirtimes



www.izmirtimes.com

برای رفتن به آرشیو مجله این قسمت را لمس کنید



### درخواست عضویت

به شماره ی تلفن زیر ، کلمه ی عضویت را از طریق واتسآپ ارسال کنید ، بدین ترتیب پس از انتشار ، نسخه ی جدید به صورت رایگان برای شما ارسال خواهد شد .

+90(554) 160 88 14

## ÜCRETSİZ

Uyelere özel dağıtım

Basım siz (Dijital) reklam dergisi

Gersuz Bilişim Hizmetleri LTD



+90(554)160 88 14



zmirtimes.gersuz.com

VISIT OUR WEBSITE

© Copyright 2023 GERSUZ - All Rights Reserved



تیراژ انتشار در این نسخه: 2000  
باز نشر تقریبی در این نسخه: 25%  
تعداد انتشار: یک شماره در ماه

طراح و انتشار دهنده شرکت گرسوز

کلیه حقوق این مجله برای شرکت گرسوز محفوظ می باشد

izmir.times

izmirtimes



برای دانلود مجله به آرشیو وبسایت مراجعه کنید

ترجمه فارسی لایف استایل و ادبیات ترکیه |